

متن پرسش

بسیار اندیشه ورز و پیداست دورانمون که منطبق به زمان موسی علیه السلام و کربلا و سقیفه حضرت زهرا سلام الله! تنگنای کربلا آنقدر زیاد بود که از میان میلیون ها انسان در زمین فقط ۷۲ نفر پیوستند و از بین هزاران لشکریان خط مقدم دشمن فقط یک نفر خُر شد آنقدر که تنگنا بود! عده ای با سنگ و شمشیر می زدند و گریه می کردند که نباید بزنند اما نمی توانستند نزنند و عده ای گول خوردن و میزان زیادی خواب غفلت را به سود و زیان خود در دنیا برگزیدند و همه تاریخ و حق را نادیده گرفتند زیرا همواره انتخابشان راحتی ها بود. آنها می ترسیدند انتخاب های درست را داشته باشند و از خود بگذرند. احاطه ای که ما را در بر گرفته و معنی کرده تاریخ ماست! این دنیا تکرار قصه هاست به آدمیان، موهبت حیات در هستی عطا شد تا در هزاران آزمون خود یافتن، خود را یکی پس از دیگری پشت سر بگذارند و پیش روند تا به صراط حق برسند پس این دنیا گورستان قصه هاست و غرب کافر، از ما بعنوان حرکت به سوی پوچی استفاده کرد. وقت آخرین بازیه! به بازیه خطرناک با بالاترین میزان امتحان و ریسک: بقای بحق یا انقراض! این بازی همونحایی که شروع شد تموم میشه در دنیایی مثل یک هزارتو که امتحان میکنه ما کی هستیم که آشکار میکنه ما قراره چی بشیم. آخرین چرخه گراداگرد پیچ شاید این بار ما خودمونو آزاد کنیم زیرا گشوده تر از انقلاب اسلامی در تنها تاریخ محیط وجود نداره. انقلاب اسلامی حرکت ابراهیم و موسی و اهل بیت نبی است در انقلاب حضرت علی و زهرا حسن و حسین و همه چهارده معصوم علیه السلام همان راهشان را حاضر کردند و مهدی همچنان غایب است زیرا که هنوز ایشان منتظر خود است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: و با نظر به همین انقلاب است که فردای انسان ها هرچه بیشتر به سوی انسانیت است و به خوبی روشن است که طریقت حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» از فتوحات آخرالزمانی ایشان و درک حضور نهایی انسان آخرالزمانی ریشه گرفته، طریقتی با گذار از مدرنیته خودبنیاد بشر جدید و از این جهت شخصیت حضرت امام تعلق به آخرالزمان داشت و این غیر شهودی است که بعضی از اهل سلوک به عنوان شهودات فردی در آن متوقف هستند و لذا جلال و جمال در وجود امام به نحوی تجلی کرده بود که ایشان آخرالزمان را به نحو تفصیلی می شناختند، امری که تنها خودآگاهی تاریخی متفکران انسی می توانند از آن آگاهی داشته باشند و با توجه به این امر اگر به کربلا رجوع شود، کربلا را در تاریخ خود حاضر کرده ایم و در اکنون خود در کربلا حاضر شده ایم. آیا با توجه به این امر می توان به یگانگی «زندگی» و «مقاومت» اندیشه کرد؟ موفق باشید